

اعتباریابی داده‌های تاریخ شفاهی

مهدی قنواتی

دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

me.gh60@yahoo.com

چکیده

قلمرو علم تاریخ زمان گذشته است، اما شاخه جدیدی در تاریخ ایجاد شده که قلمرو تاریخ یعنی گذشته را به زمان حال بسیار نزدیک کرده و آن تاریخ شفاهی است. اگرچه حدود ۷۰ سال از عمر تاریخ شفاهی می‌گذرد، اما هنوز به‌عنوان یک مقوله جدید شناخته می‌شود و باب گفتگو پیرامون مسائل مختلف آن باز است. با این حال کمتر به صورت مستقل درباره نقد داده‌های حاصل از تاریخ شفاهی تولید محتوا شده است و جا دارد این پرسش را مطرح کرد که داده‌هایی که از طریق تاریخ شفاهی تولید می‌شوند چگونه اعتبار می‌یابند تا پژوهشگران با آسودگی خاطر از آنها در تحقیقات خود بهره بگیرند؟

در این مقاله تلاش شده است ضمن شرح و بحث در خصوص مصاحبه و ابعاد مختلف آن به‌عنوان ابزار اصلی تاریخ شفاهی، ۱۲ معیار برای تولید داده‌های معتبر مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد تا به کمک آنها تردیدهای اولیه درباره اصالت داده‌های تاریخ شفاهی برطرف شده و بر اعتبار آنها افزوده شود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ شفاهی، اعتباریابی، داده، معیار، راوی.

مقدمه

تاریخ شفاهی (Oral History) مفهومی جدید است که به معنای امروزی برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ در دانشگاه کلمبیا پایه‌گذاری شد. این مفهوم پس از تشکیل انجمن تاریخ شفاهی در سال ۱۹۶۶ و سپس تأسیس بخش تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۷ وسعت بیشتری پیدا کرد (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

بیش از چهل تعریف درباره تاریخ شفاهی ارائه شده است. تعریف انجمن تاریخ شفاهی از این روش چنین است:

گفتگوی فعال، آگاهانه و هدفمند میان مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده برای بازسازی و بازنمایی موضوعی خاص که از طریق مصاحبه صوتی و یا تصویری صورت می‌گیرد و سپس نمایه‌سازی شده و به آرشیوها منتقل می‌شود (فیضیان، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

در تعریفی دیگر از تاریخ شفاهی بر «گفتگوی آگاهانه و منظم بین دو فرد درباره جنبه‌هایی از گذشته و خاطرات و مشاهدات افراد حاضر و شاهدان یک واقعه» تأکید شده و مصاحبه‌کردن و ضبط تجربیات شخصی را شرط اساسی در یک طرح تاریخ شفاهی دانسته‌اند (نورائی و ابوالحسنی، ۱۳۹۴: ۲۲). بنابراین گفتگو برای تولید داده در تاریخ شفاهی نقش محوری دارد. از آنجا که این گفتگوها با شاهدان، قهرمانان و بازیگران در قید حیات حوادث انجام می‌شود، پس گذشته بسیار نزدیک در تاریخ شفاهی مورد واکاوی قرار می‌گیرد، چرا که راویان هنوز در قید حیات‌اند و درباره رویدادی که در آن نقش داشته یا به چشم دیده‌اند، سخن می‌گویند.

ویژگی مهم این روش آن است که می‌توان داده‌هایی را تولید کرد که در سایر منابع کمتر به آنها پرداخته شده و ردپای آنها در تاریخ‌نگاری‌های رسمی نیز دیده نمی‌شود. در برخی حوزه‌های مرتبط با رخداد‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، عدم استفاده از تاریخ شفاهی سبب می‌شود بخش زیادی از جزئیات (مثل وضعیت همسران شهدا و اسراء دفاع مقدس، وضعیت زندانیان دوره پهلوی، نحوه فعالیت سازمان‌ها و گروه‌های مبارز و...) به مرور زمان از بین برود و احتمال ترسیم تصویری جامع از گذشته کاهش یابد.

از دیگر محاسن این روش انبوه‌سازی اطلاعات و اسناد درباره موضوعی خاص، خارج کردن تولید سند از انحصار رسمی و دولتی (نورایی، ۱۳۸۵: ۱۵۱)، جلوگیری از دفن خاطرات و دیدگاه‌های بازیگران و شاهدان حوادث تاریخی با مرگ آنها است.

با این حال، درباره اعتبار مطالب و داده‌های تولیدشده با استفاده از روش تاریخ شفاهی، تردیدهایی وجود دارد (همان: ۱۴۹). عده‌ای عقیده دارند تاریخ شفاهی (و حتی خاطره‌نویسی) ابزاری است تا افراد روایت‌های یک‌سویه ارائه و اعمال گذشته خویش را توجیه کنند؛ اغلب مصاحبه‌شونده‌ها خود را از هر نوع خطا و اشتباه مبرا می‌کنند و حتی ممکن است تصویری واژگون از گذشته ارائه نمایند. لذا در این پژوهش تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که با چه معیارهایی می‌توان به داده‌های حاصل از تاریخ شفاهی اعتبار بخشید؟

در حوزه تاریخ شفاهی، بیشتر پژوهش‌ها به معرفی تاریخ شفاهی و ابعاد آن پرداخته‌اند و بحث درباره اعتباریابی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از آثار مهم این حوزه کتاب تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۵۸ - ۵۸۳۱) نوشته مشترک مرتضی نورانی و مهدی ابوالحسنی ترقی است. اثر دیگر تاریخ شفاهی (مبانی نظری، روش‌شناسی) نوشته فائزه توکلی است که چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید به مبحث نقد و تحلیل داده‌های حاصل از تاریخ شفاهی نمی‌پردازد.

در مقاله «چشم‌اندازهای نو در تاریخ شفاهی ایران با تأکید بر تاریخ‌نگاری شفاهی» اثر علیرضا ملایی توانی، تا حدودی به تحلیل داده‌های حاصل از تاریخ شفاهی اشاره شده و نکات مهمی در بخش پایانی مقاله با عنوان تحلیل خاطره آمده است.

اعتباریابی چیست؟

تاریخ شفاهی فارغ از آنکه تدوین شود و در قالب یک کتاب عرضه گردد، یا اینکه در قالب نوار کاست یا فیلم و... باقی بماند، جایگاه یک منبع را در مطالعات تاریخی پیدا می‌کند. در اینجا منظور از اعتباریابی داده‌های تاریخ شفاهی آن است که پژوهشگر در فرایند مصاحبه، معیارها و سنجه‌هایی را لحاظ کند که هم میزان صحت و دقت مطالب اخذشده از راوی را (که همان فاعل یا شاهد و ناظر یک رویداد تاریخی است) به بالاترین سطح ممکن برساند و هم نگرانی‌های ناشی از روایت‌های یک‌طرفه و غرض‌آلود و احیاناً گمراه‌کننده را برطرف سازد. از آنجا که خروجی تاریخ شفاهی در حکم یک منبع است نه یک متن تاریخ‌نگارانه (ملایی، ۱۳۸۹: ۱۳۱)، پژوهشگران در ادامه مسیر می‌توانند از روش‌هایی که در «نقد درونی و بیرونی» مرسوم است، بهره

ببرند و مراحل تبدیل «داده» به «فکت»^۱ را انجام دهند. بنابراین اگر داده‌هایی معتبر پیش روی آنها باشد می‌توانند حجم بسیار زیادی از فکت‌ها را در زمینه تاریخ معاصر به‌خصوص تاریخ انقلاب اسلامی فراهم کرد که در ترسیم تصویری جامع بسیار مفیدند.

عناصر تاریخ شفاهی

در روش تاریخ شفاهی عناصر مختلفی با کارکردهای متنوع در کنار هم حضور دارند و هر یک مطابق با حیطه کاری خود می‌توانند به تولید داده‌های معتبر یاری رسانند. دو عنصر مصاحبه‌گر (یا پژوهشگر تاریخ شفاهی) و راوی (یا مصاحبه‌شونده) رکن اصلی این روش هستند که با تکنیک مصاحبه با یکدیگر مرتبط می‌شوند. حتی یک مصاحبه‌گر حرفه‌ای می‌تواند از فضای قبل از مصاحبه هم برای بالا بردن عیار داده‌ها بهره‌برد.

الف) مصاحبه

مصاحبه ابزار تاریخ شفاهی است. این ابزار در ظاهر شیوه‌ای ارتباطی است. در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی که ارتباط چهره به چهره است، از تمام ظرفیت‌های کلامی و غیرکلامی استفاده می‌شود. مصاحبه ارتباطی شفاهی و کنش متقابل اجتماعی ویژه‌ای به شمار می‌رود که هدف از آن دستیابی به واقعیت است. بنابراین شناخت مفهوم، ماهیت، اهداف و انواع مصاحبه نقش تعیین‌کننده‌ای در تاریخ‌نگاری شفاهی دارد. مصاحبه جمع‌آوری داده‌ها با پرسشگری نظام‌دار و گوش‌سپاری دقیق به پاسخ‌های داده شده است (توکلی، ۱۳۹۶: ۵۴-۵۳). ماهیت مصاحبه در تاریخ شفاهی و سؤالات مبادله‌شده فقط جنبه استفهامی ندارد، بلکه بر اساس حضور فعال و آگاهانه مصاحبه‌کننده طبق اطلاعات پیشین (از منابع مکتوب و سایر راویان) وجوه استنباطی هم دارد (همان: ۵۸).

ب) مصاحبه‌گر یا پژوهشگر تاریخ شفاهی

یک رکن مهم در مصاحبه، فردی است که روبه‌روی قهرمان، بازیگر و یا شاهد یک رویداد تاریخی می‌نشیند. این فرد می‌تواند یک مصاحبه‌گر صرف یا محقق باشد که برای پژوهش خود از تکنیک تاریخ شفاهی بهره می‌برد. برای افزایش اعتبار داده‌ها در یک مصاحبه تاریخ شفاهی، مصاحبه‌کننده باید هم درک دقیقی از جایگاه خود در فرایند مصاحبه داشته باشد و هم ابزارهای مورد نیاز این کار را داشته باشد.

مصاحبه‌گر باید بداند نه مأمور استنتاج است که بخواهد به هر شکل ممکن از زیر زبان راوی حرفی را بیرون بکشد و نه وکیل مدافع که بخواهد در ضمن گفتگوهایش از راوی و یا مخالفان راوی، دفاعی به عمل آورد. مصاحبه‌گر باید بداند حفظ بی‌طرفی برای همراهی راوی بسیار مؤثر است.

فن بیان از ابزارهای مورد نیاز مصاحبه‌گر است که پژوهشگر تاریخ شفاهی باید از آن بهره‌مند باشد. در کنار فن بیان، توانایی برقراری ارتباط با مصاحبه‌شونده نیز بسیار مهم است. تعامل سازنده بین مصاحبه‌گر و راوی در کیفیت مصاحبه بسیار اثرگذار است. برخلاف یادداشت‌نویسی شخصی که فرد به میل خود آنچه را دوست دارد می‌نویسد و ثبت می‌کند، در مصاحبه تاریخ شفاهی راوی با همکاری مصاحبه‌گر به تبادل اطلاعات می‌پردازد (سامر، ۱۳۹۷: ۲۴-۲۵)، لذا هر نوع رفتار و کلام ناشیانه می‌تواند بر افکار و احساس مصاحبه‌شونده تأثیر منفی بگذارد و از کیفیت کار بکاهد.

در کنار این موارد، مصاحبه‌گر باید با فنون مصاحبه آشنایی داشته باشد. مصاحبه ابزاری اکتشافی برای گردآوری اطلاعات است و عدم اشراف بر ظرائف و دقایق آن سبب می‌شود مصاحبه به یک پرسش‌نامه حضوری یا پرسش و پاسخ صرف و گفت‌وشنود تنزل یابد (توکلی، ۱۳۹۶: ۵۶) که در این صورت امکان تولید داده‌های معتبر در مصاحبه ضعیف می‌شود.

شرط مهم دیگر برای پژوهشگر تاریخ شفاهی که در قالب مصاحبه‌گر حاضر می‌شود، آگاهی و اشراف بر موضوع گفتگو یا همان دانش تخصصی است، به طوری که به مدد آن بتواند مدیریت مصاحبه را در دست داشته باشد تا عنان کار به طور کامل در دست راوی قرار نگیرد. قبل از ورود به مصاحبه، باید پرسش‌های اصلی، ابهامات و نکات برجسته بر اساس مطالعات پیشین استخراج شود تا گفتگو بر محوریت آنها پیش رود. حتی اگر مصاحبه‌گر بخواهد میدان را برای راوی باز بگذارد تا آنچه را که خود صواب می‌داند، بیان کند، در نهایت نباید آن نکات اصلی بی‌پاسخ بماند.

همچنین در تاریخ شفاهی مصاحبه‌گر خوب باید موضوع‌شناس، منبع‌شناس، زمان‌شناس و مکان‌شناس خوبی باشد (نورائی و ترقی، ۱۳۹۴: ۱۱۲). از سوی دیگر، آگاهی و اشراف مصاحبه‌گر بر موضوع گفتگو می‌تواند شائبه‌های احتمالی روایت یا به عبارتی انسداد قرائت را در مرحله تولید رفع یا به حداقل برساند (نورایی، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

پ) مصاحبه‌شونده یا راوی

راوی فردی است که دارای اطلاعات (ناشی از دخالت یا مشاهده) در مورد یک موضوع یا یک برهه زمانی است. این فرد می‌تواند یک چهره شاخص یا یک فرد عادی باشد، اما آنچه او را برای یک مصاحبه تاریخ شفاهی واجد شرایط می‌کند نوع و میزان اطلاعاتی است که دارد. مصاحبه‌شونده می‌تواند با بیان جزئیات در مصاحبه‌ای فعال و باز^۱ به فهم و درک بهتر اتفاقات یاری رساند؛ منوط به اینکه مصاحبه‌گر مراقبت نماید افسانه و تخیل در ذکر جزئیات ورود نکند (نورایی و ترقی، ۱۳۹۴: ۴۰). بهترین مصاحبه‌شونده‌ها افرادی هستند که هم اطلاعات تاریخی زیادی از دوره خود دارند و هم تمایل به بیان آنها دارند (امینی، ۱۳۷۶: ۴۱) و هرچه یکی از این دو عامل مهم کمتر شود کار مصاحبه‌گر دشوارتر است.

ت) شرایط قبل از مصاحبه

قبل از انجام مصاحبه تاریخ شفاهی می‌توان اقداماتی انجام داد که بستر بهتری برای بالا بردن اعتبار داده‌های اخذشده در مصاحبه فراهم شود. این اقدامات بستگی به نوع مصاحبه دارد؛ به این معنا که آیا مصاحبه در قالب یک پروژه انجام می‌شود و یک حلقه از مجموعه حلقه‌های متعدد یک پروژه تاریخ شفاهی است یا اینکه صرفاً یک تک‌مصاحبه با یک فرد خاص و ثبت اطلاعات و خاطرات آن فرد است.

در حالت اول یعنی «پروژه»، می‌توان از نمونه ذیل پیروی کرد:

پژوهشگران فعال در طرح تاریخ شفاهی هاروارد با درک برخی از آسیب‌های احتمالی تاریخ شفاهی، قبل از گفتگو با افراد مدنظر خود چند اقدام احتیاطی را انجام دادند. ابتدا کوشیدند تا افرادی با دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی متفاوت را برای طرح خود برگزینند. در گام بعدی به روایت‌کننده اطلاع می‌دادند که مصاحبه با چهره‌های سیاسی گوناگونی در دست اجراست و حداقل نام یک یا دو نفر را که با او از نظر فکری موافق یا مخالف بودند به مصاحبه‌شونده اعلام می‌کردند. آنها اذعان داشتند که «تجربه به ما نشان می‌داد هنگامی که روایت‌کنندگان درمی‌یافتند که تنها به قاضی نمی‌روند و اظهاراتشان با بیانات سایرین مقایسه خواهد شد با صراحت بیشتری صحبت می‌کردند» (بختیار، ۱۳۸۰: ۱۵).

در صورتی که با فردی خاص و یا درباره حادثه‌ای خاص صرفاً یک مصاحبه انجام

۱. مصاحبه‌ای که سؤالات آن در طول مصاحبه قابل تغییر است و با استفاده از مطالب مطرح شده توسط راوی، سؤالات جدید طرح می‌شود.

می‌شود، مصاحبه‌گر باید چارچوبی از موضوع مورد بررسی را قبل از مصاحبه با راوی در میان بگذارد. این امر موجب می‌شود راوی متوجه اشراف و دقت مصاحبه‌کننده شده و کلام خود را به شکل دقیق‌تر و منسجم‌تری ارائه کند و قبل از شروع مصاحبه تلاش خود را معطوف به ارائه روایت دقیق نماید تا مبادا در محضر مصاحبه‌گر آگاه و آشنا به موضوع، نکته‌ای را طرح کند که اعتبار کلامش را مخدوش نماید.

معیارهای اعتباریابی داده‌های تاریخ شفاهی

در کنار شرایط فوق‌الذکر برای مصاحبه‌گر تاریخ شفاهی و نکات لازم قبل از شروع کار، موارد ذیل معیارهایی هستند که مصاحبه‌گر یا پژوهشگر تاریخ شفاهی با اشراف بر معیارهای ذیل می‌تواند روند مصاحبه را مدیریت کرده و در طرح سؤالات خود آنها را لحاظ نماید تا داده‌های متقن‌تری را به دست آورد.

پس از مصاحبه، وقتی متن مصاحبه‌ها چه در قالب کتاب و یا مقاله منتشر می‌شود، فرایند تولید فکت پایان نیافته و تازه بعد از مکتوب شدن مصاحبه، متنی مشابه سایر منابع تاریخی فراهم می‌شود و پژوهشگرانی که قصد بهره‌برداری از آنها را دارند می‌بایست دقت کنند که آیا معیارهای ذیل در طول مصاحبه بین پژوهشگر و راوی لحاظ شده است یا نه که طبعاً اگر رعایت شده باشد اطمینان آنها به داده‌ها افزایش می‌یابد.

۱- شناسایی روایات راوی

در تاریخ شفاهی، راویان عمدتاً افراد مؤثر در رویدادها و رجال شاخص یک دوره تاریخی هستند که یا شاهد حوادث بوده و یا در متن حوادث حضور داشته‌اند (هرچند گاه ممکن است راوی فردی عادی و بیننده یک رویداد باشد). شناخت راوی، ویژگی‌های اخلاقی و روایات او و اینکه خود را چگونه معرفی می‌کند و چه نگرشی به سایر افراد دارد، در تجزیه و تحلیل آنچه بیان می‌کند، بسیار مؤثر است. از طریق «تحلیل محتوا» می‌توان تشخیص داد که راوی برای خود و دیگران چه جایگاه و شأنی قائل است. با «تحلیل روان‌شناختی» راوی حتی می‌توان میزان انصاف او را هم سنجید و با کمک آن باید فضای مصاحبه را مدیریت نمود. به باور برخی پژوهشگران، شناسایی ویژگی‌های روان‌شناختی راوی یکی از محاسن تاریخ شفاهی است (رسولی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۹۴). در تاریخ‌نگاری مکتوب، روان‌شناسی راوی از لابه‌لای نوشته‌هایش به دست می‌آید، اما در تاریخ شفاهی و هنگام مصاحبه می‌توان به‌طور مستقیم با این خصلت روبه‌رو شد و حتی زبان بدن راوی را دید و از خلال آن تحلیل روان‌شناختی راوی بهتر میسر می‌شود.

شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوی و عضو جبهه ملی ایران، در مصاحبه با طرح تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، از خود تصویر فردی دارای صفات نیکو، همواره موفق، کارآمد و مصون از خطا ارائه می‌کند. به عبارات ذیل دقت کنید:

- به دلیل موفقیت‌هایم در آبادان، زمان خروج از این شهر شش هزار نفر به فرودگاه آمدند (همان، ۳۴).
- «عیب بزرگ من این است که بلد هستم نه بگویم و روی حرف خود بایستم» (همان، ۴۰).
- در زمان وزارت کار دست یک عده اشخاص دزد را بریدم و زمانی که از وزارتخانه رفتم خیلی تر و تمیز رفتم (همان، ۴۷).
- من همیشه یک آدمی بودم مثبت (همان، ۴۷).
- «من همیشه حرف حق را هر کس بزند قبول می‌کنم» (همان، ۵۸).
- «بدبختی من این بود که حرف‌هایی که در میدان جلالیه زد *success* {موفقیت} عظیمی پیدا کرد» (همان، ۶۳).
- «آدمی نیستم که عقیده‌هایم را عوض کرده باشم» (همان، ۸۷).
- در مورد نوشتن نامه به امام خمینی می‌گوید: «و این {نامه} تلاش یک مرد وطن‌پرست بود که می‌خواست جلوی آن چیزی را که پیش آمده بود بگیرد» (همان، ۱۵۵).
- موارد فوق بخشی از محاسنی است که راوی برای خود برمی‌شمارد و از سوی دیگر، هنگام سخن گفتن درباره سایر افراد عموماً ویژگی‌های منفی را به آنها نسبت می‌دهد و هر یک از آنها را به عیب و نقصی متهم می‌کند:
- «این هر سه نفر {تقی فداکار، امیر کیوان، شمس صدری از رهبران اتحادیه‌های کارگری در اصفهان} آدم‌های به کلی بی‌سواد و دور از مسائل سندیکایی بودند» (همان، ۳۱).
- «دکتر مصدق... یک مردی نبود که آن‌طور که شماها خیال می‌کنید وارد به مسائل دنیای امروز باشد» (همان، ۳۶).
- بقیه، کاشانی و مکی هم مسائل را درک نمی‌کردند (همان، ۳۷).
- «فروهر با غروری که داشت به اصطلاح قحط‌الرجال بود که خودش و یک

مردکی هم بود از آن خنجی چی‌های قدیم آه آه یک آدم خیلی حقیر و بیچاره‌ای هم بود...» (همان، ۱۰۳).

با چنین عباراتی، به نوعی دوقطبی سیاه و سفید شکل می‌گیرد و راوی می‌کوشد در این دوقطبی دست بالا را داشته و عملاً از پژوهشگر و خواننده می‌خواهد آنچه را خود بیان می‌کند به عنوان واقعیت بپذیرند. در مواجهه با چنین روایانی باید دقت و وسواس علمی بسیاری برای تشخیص سره از ناسره به کار برد.

اما زمانی که راوی جانب انصاف را رعایت می‌کند و درباره اشخاص و جریان‌ها نکات مثبت و منفی را توأمان می‌بیند، می‌توان تا حد زیادی اطمینان حاصل کرد که احساسات در بیان راوی کمتر رخنه کرده باشد. در تاریخ بیهقی بخشی از مطالب، دیده‌ها و شنیده‌های شخص بیهقی است و او به عنوان راوی دیدگاه خود را در اثرش نوشته است. زمانی که بوسهل زوزنی را توصیف می‌کند، این گونه می‌نویسد: «... این بوسهل مردی امام‌زاده و محترم، فاضل و ادیب بود، اما شرارتی و زعارتی در طبع وی مؤکد شده...» (حسن‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۱). از درون چنین توصیفی می‌توان انتظار داشت که قضاوتی منطقی و نزدیک به واقع در مورد بوسهل صورت گیرد.

۲- شناسایی گرایش‌های فکری و سیاسی راوی

هر فردی دارای گرایش‌ها و علایق خاصی است. این امر در مورد افراد و رجال مؤثر در تحولات تاریخی بیش از سایر گروه‌ها صادق و پررنگ است. با شناخت گرایش‌های فکری و وابستگی‌های سیاسی - اجتماعی می‌توان تشخیص داد راوی با کدام جریان، شخص و تفکر همسو بوده و با کدام جریان، شخص و تفکر زاویه دارد. این نکته می‌تواند به بیان گزینشی رویدادهای گذشته از سوی راوی منجر شود و آنچه را ناخوشایند می‌پندارد، بیان نکند. بعد از شناخت این موارد بهتر می‌توان تأییدها، تکذیب‌ها و قضاوت‌های او را بررسی و در نهایت رد یا تأیید کرد.

شاپور بختیار به شکل عجیبی با کریم سنجابی، هم‌حزبی‌اش در جبهه ملی، که ۵۵ روز وزیر خارجه دولت موقت بازرگان بود، نامهربان است و هنگام بیان خاطراتش انواع نسبت‌ها را به او داده و الفاظ عجیبی را درباره او به کار می‌برد و نشان می‌دهد ضدیت بسیاری با این فرد دارد:

- آقای سنجابی بعد از کودتای ۲۸ مرداد بیش از همه از دستگاه دولتی استفاده

برد (بختیار، ۱۳۸۰: ۳۰).

- «مسعود حجازی از اشخاصی است که همیشه مورد لطف آقای سنجابی بود، چون از سنجابی می‌توانست سواری‌هایی بگیرد...» (همان، ۶۲).

- «سنجابی همیشه می‌خواهد یک دم گاوی به دستش بیاید و وقتی هم که دم گاو به دستش آمد لیاقت نگهداری‌اش را ندارد» (همان، ۸۴).

- سنجابی با تمام سبک‌مغزی‌هایی که داشت در جمع کردن جبهه ملی مؤثر بود (همان، ۹۱).

- «خوب می‌دانستم عقل {او} جای دیگری است، عقلش را با خودش نیاورده است» (همان، ۱۰۷).

طبعاً با درک بغض و ناراحتی شدید شاپور بختیار از کریم سنجابی (که ریشه آن به دیدار سنجابی با امام خمینی در پاریس و غیرقانونی اعلام کردن نظام سلطنتی بازمی‌گردد)، در استفاده از سخنان او در مورد سنجابی باید احتیاط بسیاری به خرج داد و نباید قضاوت‌های او را نسبت به این فرد بدون تحقیق بیشتر پذیرفت و به‌عنوان امر واقع تلقی کرد. این‌گونه همدلی‌ها و ناهمدلی‌ها علاوه بر اشخاص ممکن است در خصوص رویدادها، احزاب و مکاتب سیاسی و فکری هم رخ دهد؛ بنابراین شناخت آنها هم ضرورتی انکارناپذیر است.

نکته دیگری که در این مبحث می‌بایست به آن توجه داشت، نسبتی است که راوی با گذشته دارد؛ اینکه با شیفتگی از آن سخن می‌گوید یا در حال فرار از گذشته خویش است؟ هر یک از این دو نوع احساس تأثیر خاص خود را بر داده‌ها و روایت‌ها باقی می‌گذارند و لازم است مصاحبه‌گر و تاریخ‌پژوه نگاه ویژه‌ای به این امر داشته باشد.

۳- پنهان‌کاری‌های راوی

محافظه‌کاری‌های مبتنی بر آینده‌نگری در تاریخ شفاهی نقش پررنگی دارند. مصاحبه‌شونده‌ها یا همان راویان همواره نگرانند که با گفتن گذشته خود و یا فاش کردن اسرار، آینده خود و بستگانشان به خطر بیفتد. طبق بررسی‌های دانشگاه هاروارد در پروژه تاریخ شفاهی ایران، برخی از چهره‌ها بیان می‌کردند که به اندازه کافی دشمن دارند و با این مصاحبه نمی‌خواهند تعداد آنها زیاد شود (خاکستری، ۱۳۸۴: ۷۰).

مدل دیگر این پنهان‌کاری (که نگارنده آن را عملاً تجربه کرده) این است که راویان از بیان برخی جزئیات مربوط به اشخاص پرهیز می‌کنند و به صورت گزینشی گذشته را روایت می‌کنند. فی‌المثل در گفتگو با برخی فعالان انقلاب اسلامی مشاهده می‌شود

افراد تمایل ندارند از چهره‌های عضو سازمان مجاهدین خلق نام ببرند. این امر دلایل مختلفی دارد. مثلاً رابطه خویشاوندی بین آنها برقرار است و نمی‌خواهند با بیان آن مسائل، پیوند را بگسلند، یا اینکه آن افراد رویه گذشته را ترک کرده و مسیر دیگری را در پیش گرفته‌اند. لذا راوی تمایل ندارد اصطلاحاً با نبش قبر گذشته برای آن افراد حاشیه‌ای ایجاد شود که تبعاتش برای خود راوی هم زیانبار باشد.

این ملاحظات سبب می‌شود تا همواره بخش‌هایی در تاریخ شفاهی ناگفته بماند. البته باید عنایت داشت که این «نگفتن‌ها» در منابع مکتوب و حتی دست اول تاریخ هم وجود دارد. مورخان در گزارش رویدادها از تمایلات، تعلقات و تفکرات مخاطب خود غافل نبوده و این امر در چگونگی نقل رویداد اثر خود را بر جای می‌گذارد (حضرتی، ۱۳۹۷: ۵۱).

حسب تجربه شخصی، گاه در مصاحبه تاریخ شفاهی پس از آنکه ضبط صوت و تصویر قطع می‌شود، برخی از ناگفته‌ها بیان می‌شود و این شاهدی آشکار بر پنهان‌کاری‌های راوی است. این‌گونه موارد بخش لاینفک تاریخ شفاهی است و گریزی از آن نیست. در اینجا نکته ظریفی وجود دارد و آن جایگاه اخلاقی مصاحبه‌گر است. آیا او می‌بایست امانتدار باشد و آنچه راوی پس از خاموشی ابزار ضبط می‌گوید در سینه خود نگه دارد؟ یا نه، خود را اخلاقاً به واقعیت متعهد بداند و به نحوی آنچه را خارج از چارچوب مصاحبه شنیده، بعداً وارد مصاحبه کند و یا به شکلی به آن اشاره کند تا آنچه روی داده کامل‌تر بیان شود. کدام‌یک از این دو فعل امری اخلاقی است؟ و این یکی از دشواری‌هایی است که همواره برای مصاحبه‌گران تاریخ شفاهی وجود داشته و خواهد داشت.

۴- متضمن‌بودگی

متضمن‌بودگی (Embedment) یعنی چیزی را داخل چیزی خواباندن و شرایطی را فراهم کردن برای اینکه از انظار پنهان بماند. این پنهان‌ماندگی ممکن است کاملاً عمدی و یا اینکه ناخودآگاه باشد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). متضمن‌بودگی تلاش‌های راوی برای پنهان‌کاری است که با کشف آنها می‌توان راهی به سوی واقعیت یافت؛ به عبارت بهتر شناخت واقعیت بر اساس انکارها.

برای مثال داریوش همایون در دوره جوانی روزنامه آیندگان را منتشر می‌کرد و گفته می‌شد که این روزنامه مورد حمایت برخی مقامات حکومت پهلوی است. اما او

در کتاب آیندگان و روندگان، وقتی با پرسشی در این خصوص مواجه می‌شود آن را انکار می‌کند و برای اثبات سخن خود توضیحاتی می‌دهد و می‌گوید سال ۴۶ سفری به اسرائیل داشته و بعد به آلمان رفته تا دستگاه چاپ خریداری کند. در ادامه همین سفر، به انگلیس و سوئد می‌رود. در همین حال روزنامه رو به تعطیلی رفته و به بن‌بست رسیده بود. سال ۴۷ از سوی وزارت بهداری به سفر دور جهان فرستاده می‌شود و در ضمن امور مالی روزنامه را هم به سیروس آموزگار می‌سپارد و او به یاری کاردانی و ارتباطات گسترده‌ای که با گروه‌های اجتماعی داشت، وضع را بهتر کرد و اوضاع خوب شد (همايون، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۰۹).

آیا نفس توضیحاتی که همایون می‌دهد تا حمایت‌های حکومتی را پنهان کند، خود نشانی از واقعیتی ندارد؟ اساساً بدون حمایت حکومتی امکان این همه سفر خارجی وجود داشت؟ وزارت بهداری یک روزنامه‌نگار ورشکسته را به چه دلیلی به سفر دور دنیا می‌برد؟

۵- شناخت میزان دقت و اطمینان راوی در بیان جزئیات

برای پذیرش داده‌های تاریخ شفاهی باید میزان دقت و اطمینان سخن راوی را تعیین کرد. سن راوی، فاصله زمانی با حادثه، بیماری و... عواملی طبیعی و فارغ از حب و بغض‌اند که از دقت راوی می‌کاهند. مصاحبه‌گر در حین گفتگو و پژوهشگر هنگام بهره‌برداری از داده‌ها باید بین نکته‌ای که راوی با قاطعیت بیان می‌کند و نکته‌ای که در مورد جزئیات آن مطمئن نیست، تفاوت قائل شود. به مثال زیر که از مصاحبه با داریوش همایون (۱۳۸۹-۱۳۰۷) وزیر اطلاعات و جهانگردی دوره پهلوی دوم اخذ شده است، دقت کنید:

مصاحبه‌گر: چه سالی شما سردبیر خارجی روزنامه شدید؟

راوی: در سال ۱۳۳۶ یا ۱۳۳۷. خلاصه اولین سرمقاله را گمان می‌کنم که سال

۱۳۳۷ نوشتم (دهباشی، ۱۳۹۳: ۶۸).

یا در جایی دیگر از مصاحبه، صحبت از حضور در ساواک می‌کند و این‌گونه

توضیح می‌دهد:

«... یک روز من را دعوت کردند به ساواک، شاید معاون ساواک یا رئیس قسمت

تهران و مطبوعات یا هر کدام الان یادم نیست... در سال ۱۳۳۸» (همان، ۶۹).

فاصله ۵۰ ساله بین زمان روایت و رویداد سبب شده است تا راوی در بیان نکات

جزئی رویدادها دچار تردید شود و نتواند با قاطعیت درباره آنها سخن بگوید. گاه

کهنوت سن راوی و بیماری دست به دست هم می‌دهند تا حتی امور مربوط به زندگی شخصی نیز از یاد برود. برای نمونه می‌توان به گفتگو با خسرو شاهانی به‌عنوان یک روزنامه‌نگار در خصوص تاریخ شفاهی مطبوعات ایران اشاره کرد که نامبرده اسامی مستعار خود را که با آنها در جراید قلم می‌زده است، به‌طور کامل به یاد ندارد. در پایان، این مصاحبه‌گر است که از بیماری راوی سخن به میان می‌آورد تا مخاطب بداند گفتگوی او با شاهانی در چه شرایطی انجام شده است (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

۶- دریافت تجربیات شخص راوی

اهمیت تاریخ شفاهی در آن است که می‌توان بدون واسطه به دیده‌ها، شنیده‌ها و درک و دریافت راوی دست یافت و در واقع با تجربه شخصی او آشنا شد. گاه در حین مصاحبه ممکن است راوی خارج از تجربه شخصی مطالبی را بیان کند و محقق خبره باید بتواند این‌گونه موارد را تشخیص داده، بین تجربیات شخصی و آگاهی‌هایی که راوی بعداً با شنیدن یا با واسطه از دیگران یا از طریق مطالعه بدان دست یافته است تفکیک قائل شود، زیرا ارزش هر یک از این موارد با هم کاملاً متفاوت است.

در کتاب *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی حجت‌الاسلام موسوی نهایندی* به شرح برخی رویدادهای مربوط به امام خمینی می‌پردازد. این فرد زمانی که نماینده شاه، سلیمان بهبودی، برای ملاقات با امام خمینی به قم رفت تا در مورد اعتراض امام به لویح ششگانه یا انقلاب سفید توضیحاتی به ایشان بدهد، در آن جلسه حضور داشته و شرح موقوف را نوشته و حتی زبان بدن امام خمینی را هم توصیف کرده است (فراتی، ۱۳۸۰: ۶۴). فرد دیگری نیز در همین جلسه حضور داشته و در روایت خود با بیان عبارت «امام دادش بلند شد» و یا «بهبودی با حالتی تهدیدآمیز گفت...»، احساسات طرفین دیدار را هم شرح داده است (همان، ۶۵).

اما همین فرد - موسوی نهایندی - در جای دیگری از این اثر می‌گوید: «با شکست لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شاه تصمیم گرفت خود مجری و عامل اصلاحات شود تا اینکه کسی نتواند در مقابلش قد علم کند و لویح ششگانه را تصویب کرد تا بتواند قضیه انجمن‌ها را جبران کند» (همان، ۶۲).

بین این دو نقل از یک راوی واحد در مجموعه تاریخ شفاهی نقل اول قابل قبول است، زیرا خود مستقیماً در متن رویداد حضور داشته است، اما نقل دوم بیشتر حاصل اطلاعات بعدی یا مطالعه احتمالی راوی است نه مشاهده مستقیم، بنابراین

نمی‌توان - فارغ از صحت و سقم آن - این مورد را به‌عنوان یک داده تاریخ شفاهی چندان مورد توجه قرار داد.

۷- تعیین پیشینی یا پسینی بودن قضاوت‌های راوی

یکی از آفت‌های مهم تاریخ شفاهی آن است که افراد بر مبنای شرایط و نگرش امروزی خود به بیان خاطرات خویش از تحولات گذشته می‌پردازند. در دوره معاصر سرعت تحول گفتمان‌ها افزایش یافته و طول زمان حیات هر گفتمان نسبت به گذشته کوتاه‌تر شده است. در قرون وسطی گفتمان هزار سال ثابت بود، اما در قرن بیستم به دلایل متفاوتی از جمله رشد فناوری و ارتباطات، عمر گفتمان‌ها به‌شدت کاهش یافته است. لذا مصاحبه‌شونده‌ای که درباره کودتای ۲۸ مرداد سخن می‌گوید چندین گفتمان متفاوت و حتی متضاد را پشت سر نهاده است، لذا جو گفتمانی حاکم بر زمان مصاحبه به وی خط می‌دهد که چه نوع مطالبی در خاطراتش مطلوب‌تر جلوه می‌کند و او هم آنها را احتمالاً برجسته می‌سازد. این ایراد تردیدی اساسی در سازوکار تولید متون شفاهی ایجاد می‌کند. با درک این نکته در هنگام مصاحبه، مصاحبه‌گر مسلط باید به شکلی روند را مدیریت کند که پسینی یا پیشینی بودن نگرش را روشن سازد. زمانی که مصاحبه منتشر می‌شود نیز پژوهشگر با استفاده از شواهد و قرائن می‌تواند همین نکته را بازنماید و بعد از آنها در کار خود بهره‌گیرد.

شاپور بختیار پنج سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طی چند جلسه مصاحبه، روایت خود را با دست‌اندرکاران طرح تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد در میان گذاشت. او در این مصاحبه‌ها درباره افراد مختلف سخن گفت و عموماً نسبت به آنها نگرش منفی داشت:

- درباره عملکرد مردم ایران در روزهای آخر حکومت پهلوی می‌گوید مردم «بی‌حیا و هرزه» شده بودند (بختیار، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

- «اگر این بی‌شرفانی که در رأس ارتش ما بودند چند هفته‌ای به من فرصت می‌دادند، شما ایمان داشته باشید که {آیت‌الله خمینی} می‌آمد آن طرف میز با من مذاکره می‌کرد» (همان، ۱۲۳).

- خطاب به ژنرال‌های ارتش می‌گوید: «ژنرال‌های پفیوز» (همان، ۱۲۵).

- نخشب «یک پسرانی را که از فیضیه قم بودند خدا می‌داند، یا از یک خراب‌شده‌ای مثل آنجا می‌آورد و عضو می‌کرد» (همان، ۸۴).

بدون تردید این ادبیات و این نوع قضاوت کردن نسبت به ملت، ارتش و... ریشه در ناراحتی‌هایی دارد که بعد از سقوط پهلوی و دوران ناکام نخست‌وزیری بر او رفته بود و بدین ترتیب با لحن تند، خشن و متأثر از اتفاقات بعدی در مورد دیگران قضاوت می‌کند، و الا در زمان نخست‌وزیری چنین ادبیاتی از او مشاهده نشد. بنابراین بختیار در حال قضاوت پسینی است و متأثر از سرنوشت سیاسی خود سخن می‌گوید.

۸- نگرش و عقاید راوی

بخشی از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی نگرش، عقاید و برداشت‌هایی است که راوی از اشخاص، رویدادها اندیشه‌ها، مسلک‌ها و... دارد و آنها را بیان می‌کند. در چنین مواردی، اساساً نباید به دنبال صحت و سقم بود، زیرا راوی را از جنبه ادراکی خود روایت می‌کند و آگاهی از این نگرش و عقاید یک ضرورت است؛ به‌سان یک تاریخ‌نگار که بر اساس تاریخ‌نگری خاص خود می‌نویسد، راوی تاریخ شفاهی نیز بر اساس بینش خاص خود تاریخ را روایت می‌کند و شیوه نگرش او به واقعیت‌ها خود بخشی از تاریخ است که باید ثبت شود. در زمان بیان نگرش‌ها و دیدگاه‌ها، مصاحبه‌گر باید بسیار دقت کند که وارد مباحثه و مجادله با راوی نشود. اینکه بیان شد مصاحبه‌گر نه مستنطق است نه وکیل مدافع، دقیقاً در این بخش از تاریخ شفاهی باید رعایت شود. علاوه بر این، مصاحبه‌گر نباید در حین مصاحبه بکوشد دیدگاه و نگرش خود یا سفارش‌دهندگان کار را به راوی تحمیل کند و نخواهد حرف مطلوب خود را از زیر زبان راوی بیرون بکشد. موارد ذیل نمونه‌هایی از نگرش‌ها و دیدگاه‌های رجال مختلف درباره حوادث و رویدادهای تاریخ معاصر است که در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی بیان شده‌اند:

- شاپور بختیار: {در واکنش به جنبش انقلابی مردم ایران} «من پیش‌بینی می‌کنم: ای مردم ایران شما پدرتان درمی‌آید» (همان، ۱۲۲).

- علی امینی: «بنا بر عقیده من {شاه} یک آدم complexe {عقده‌دار} و ضعیف بود، چون آدم ضعیف تحریک می‌کند. آدمی که اعتماد به نفس داشته باشد این کارها را نمی‌کند» (امینی، ۱۳۷۶: ۱۷۷).

- داریوش همایون: {برای توجیه استبداد رضاشاه چنین می‌گوید} «جامعه ایرانی را باید در واقع گریبان‌ش را می‌گرفتند و می‌کشیدند از آن چاه بیرون و کار دیگری نمی‌شد کرد و این کار را کرد رضاشاه» (همایون، ۱۳۹۳: ۱۲).

۹- شناخت موقعیت زمانی و مکانی راوی

یکی از نکات مهم در تبدیل داده‌های تاریخ شفاهی به فکت، شناسایی نسبت زمانی و مکانی راوی با رویدادهایی است که درباره آنها سخن می‌گوید. گاهی راویان به صورت مستقیم در حوادث دخالت داشته‌اند یا ممکن است صرفاً دیده‌ها و شنیده‌های خود را درخصوص مسائل بیان کنند (رسولی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). معاصر بودن با رویدادهای مختلف سبب می‌شود راوی جدا از بیان نقش و کارکرد خود، به مسائل جاری آن مقطع زمانی در کشور یا منطقه خود نیز اشاره کند؛ آن هم به شکلی که گویی در بطن آنها حضور داشته است. برای نمونه می‌توان به خاطرات رجبعلی طاهری از فعالین جنبش دانشجویی قبل از انقلاب اشاره کرد که بخشی از دوره جوانی‌اش معاصر با نهضت ملی شدن نفت بود و به این دلیل به مسائل کلان نهضت هم اشاره کرده است. در خاطرات رجبعلی طاهری، اطلاعاتی درباره مخالفان مصدق بیان شده است و ایشان به چهار مورد اشاره می‌کنند که عبارت‌اند از: کانون افسران بازنشسته، عوامل سرسپرده انگلیس، مخالفانی از درون طیف روحانیت به دلیل دودستگی بین آنها و در نهایت مخالفت شخص آیت‌الله کاشانی با مصدق (طاهری، ۱۳۷۵: ۹). فارغ از اینکه این نکات چقدر درست است و تا چه میزان از طریق تقابل روایت با سایر منابع می‌توان صحت آن را تعیین کرد، باید نسبت راوی را به لحاظ زمانی و مکانی با رویداد مورد اشاره شناسایی کرد.

راوی (رجبعلی طاهری) در زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تنها ۱۷ سال سن داشته، در مقطع دبیرستان و کلاس نهم درس می‌خوانده و به لحاظ مکانی هم در شهر شیراز ساکن بوده است. وی به لحاظ شرایط سنی و مکانی عملاً به دور از میدان تحولات بوده و از حیث جایگاه اجتماعی هم نقشی در نهضت ملی شدن نفت نداشته تا بتواند درباره چنین مسئله‌ای سخن بگوید، لذا به احتمال زیاد آنچه بیان کرده برخاسته از مطالعات بعدی و شناخت پسینی او از مسائل دوره مصدق است.

اما اطلاعات نامبرده درخصوص فعالیت‌های انقلابی در سطح شهر شیراز ناشی از تجربیات شخصی او است، زیرا در اواسط دهه ۵۰ با چهل سال سن در متن فعالیت‌ها و اتفاقات حضور داشته (همان: ۸۰-۷۹) و به همین دلیل دستگیر و زندانی شده است. از این رو داده‌های رجبعلی طاهری از درون زندان‌های قزل‌قلعه (همان: ۷۴)، زندان قصر (همان: ۷۵) و عادل‌آباد (همان: ۹۳) برای بررسی وضعیت زندان‌های آن دوران بسیار مهم

است، زیرا به‌عنوان یک شاهد عینی می‌تواند مطالب را بیان کند. البته این بخش از تاریخ انقلاب اسلامی کمتر در منابع مکتوب و اسناد ذکر شده و عمده داده‌های موجود در این خصوص منبعث از تاریخ شفاهی است و اگر این تکنیک نبود این بخش به فراموشی سپرده می‌شد.

معیارهای ذیل بیشتر مربوط می‌شود به پژوهشگرانی که بعد از تولید منبع تاریخی بر اساس داده‌های حاصل از تاریخ شفاهی با آن مواجه شده و قصد بهره‌گیری از آن را دارند. این طیف می‌بایست هنگام مواجه شدن با این گونه منابع، سه معیار ذیل را علاوه بر سایر معیارهایی که در پژوهش‌های تاریخی استفاده می‌شود، مطمح نظر داشته باشند:

۱- تضاد با روایت غالب

در منابع و پژوهش‌های تاریخی همواره روایت‌های غالبی وجود دارد که سایر روایت‌ها در تقابل با آنها سنجیده می‌شوند. به‌طور معمول، مکتوبات بر داده‌های شفاهی ارجحیت می‌یابند و بر اساس قاعده تقابل روایت‌ها، چنین روایت‌هایی فرصت چندانی برای مطرح شدن پیدا نکرده و حذف می‌شوند، زیرا رویکرد غالب آن است که داده شفاهی و مکتوبات یا مستندات یکدیگر را تکمیل کنند (ملایی، ۱۳۸۹: ۱۴۹). حتی برخی مدعی شده‌اند که تاریخ شفاهی به تنهایی اصالت ندارد (درکتانیا، ۱۳۸۴: ۳۴). همین دو نظر به این معناست که روایت شفاهی در صورت ناهمخوانی با روایت مکتوب و رایج نادیده گرفته می‌شود.

اما همواره ممکن است روایتی در یک منبع مبتنی بر تاریخ شفاهی پیدا شود که با روایت غالب سازگار نباشد و شاید روایت صحیح و امر واقع هم همان باشد، نه آنچه در منابع مکتوب ذکر شده است، زیرا ماهیت تاریخ شفاهی به شکلی است که می‌توان به کمک آن از درون حوادث و از جزئیات رویدادها سراغ گرفت.

شیخ محمدطاهر آل شبیر خاقانی از روحانیون معروف خرمشهر بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ماجرای موسوم به خلق عرب در خرمشهر در مقابل جریان انقلابی قرار گرفت، از این رو در منابع مکتوب معمولاً نگرش منفی درباره او وجود دارد که حتی به فعالیت‌های پیش از انقلاب او هم تسری یافته است. در یکی از تحقیقات مکتوب درباره شیخ محمدطاهر آمده است که «از روحانیون صاحب‌نام و مورد اعتماد مردم بود و پس از حوادث سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۳ با حمایت آیت‌الله شریعتمداری به امام جماعت مسجد امام صادق^(ع) رسید. روش محافظه‌کارانه شیخ محمدطاهر منجر به

جدایی وی از نیروهای انقلاب شد و ایشان در گیرودار مبارزات ضد رژیم به بهانه دیدار مقلدانش راهی احصا - واقع در عربستان - گردید» (قصری، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۸).

اما نگارنده در فرایند انجام یک پروژه تاریخ شفاهی در خصوص انقلاب اسلامی در خرمشهر، در گفتگو با فعالان انقلابی آن شهر در مواردی چهره‌های شاخص انقلابی (حتی کسانی که بعد از انقلاب در برابر شیخ صف‌آرایی کردند) در خصوص عملکرد این روحانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نکات مثبتی را ذکر کرده‌اند، به طوری که حتی سبب استخلاص مبارزین از دست شهربانی و ساواک خرمشهر می‌شده است، اما آنچه در منبع مکتوب ذکر شده نشانگر این بعد مهم نیست و تنها به مقبولیت مردمی او اشاره می‌شود. غلامرضا بصیرزاده یکی از فعالان انقلابی خرمشهر درباره شیخ این گونه سخن می‌گوید:

رفتیم به مسجد یک روحانی که آن روحانی نسبت به نظام شاه حالت مخالفت داشت یا لاقبل یک حالتی داشت که نظام را تأیید نمی‌کرد. شیخ محمدطاهر آل شبیر خاقانی و مسجد امام صادق مسجدی بود که ایشان در آن مسجد آدم مقتدری بود، یعنی از لحاظ همه چیز می‌توانست جلوی زورگویی اینها را بگیرد و ما از آنجا دیگر جرقه‌های سیاسی شدن در ما وارد شد... (بصیرزاده، بی تا: ۵).

در این گونه موارد در تقابل روایت‌های شفاهی با روایت مکتوب معمولاً اصالت را به روایت مکتوب می‌دهند، اما واقعیت آن است که روایت‌های شفاهی از بطن جامعه خرمشهر و از زبان افرادی که از نزدیک در کوران تحولات بوده‌اند استخراج شده، اما برخی روایت‌های مکتوب در نشریات یا متون تاریخ‌نگارانه توسط افرادی با فاصله زمانی و مکانی نسبت به موضوع بیان شده‌اند. لذا در چنین مواردی باید تضاد روایت‌ها را به نفع روایت برخاسته از تاریخ شفاهی حل کرد و اصولاً خلق آثار تاریخی در مورد گذشته نزدیک، بدون رجوع به داده‌های تاریخ شفاهی نمی‌تواند چندان مطابق با واقع باشد.

نمونه‌ای دیگر از تضاد با روایت غالب این است که در مقاله‌ای با عنوان «نقش تشکل‌های معلمان اصفهان در انقلاب اسلامی بر اساس روایت سیدرضا میرمحمدصادقی» ادعا شده که در دهه ۴۰-۳۰ معلمان فعالیت‌های سیاسی بسیاری داشتند. اما در مقابل، روایت غالب آن است که نه معلمان بلکه دانش‌آموزان در این برهه زمانی بیشتر به

مسائل سیاسی می‌پرداختند. در برابر این تضاد، راوی برای آنکه از اعتبار روایت خود دفاع کند، اسنادی ارائه کرده که نشان می‌دهد روایت غالب چندان دقیق نیست (صالحی فشمی، ۱۳۸۸: ۱۴۷-۱۴۸) و به عبارتی می‌توان در این گونه پژوهش‌ها از مصاحبه ترکیبی استفاده کرد و راویان در کنار بیان مطالب، اسنادی که می‌تواند اعتبار روایت آنها را افزایش دهد، نیز ارائه نمایند.

۲- متأثر نشدن مصاحبه‌گر از شخصیت راوی

گاه در تاریخ شفاهی مصاحبه‌گر رو در روی یک راوی پرآوازه قرار می‌گیرد؛ یک پادشاه، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر، اندیشمند و... که دارای شهرت و آوازه است. در این موارد باید دقت کرد که آیا مصاحبه‌گر با استقلال علمی حضور یافته و کوشیده است تا به دور از تأثیرات شخصیتی راوی و مبتنی بر روش علمی عمل کند یا نه؟ (ملایی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). استقلال علمی مصاحبه‌گر می‌تواند کمک کند تا داده‌ها از میزان وثوق بیشتری برخوردار شوند؛ این شاخصی است که به کمک آن زمینه کنکاشی شجاعانه‌تری در حین مصاحبه فراهم می‌شود. متأثر شدن مصاحبه‌گر اجازه گره‌گشایی از ابهامات را نمی‌دهد و امکان طرح پرسش‌های چالشی فراهم نمی‌شود. لذا پژوهشگر هنگام استفاده از یک منبع تاریخ شفاهی باید میزان اثرپذیری مصاحبه‌گر از شخصیت راوی را روشن سازد.

۳- نقطه دید

ممکن است در یک پروژه تاریخ شفاهی دو یا چند راوی درباره یک رویداد صحبت‌های ناهمسانی داشته باشند. این ناهمسانی بهانه‌ای است تا برخی نسبت به اعتبار داده‌های تاریخ شفاهی به دیده تردید بنگرند. حال آنکه ممکن است این تفاوت نه ناشی از غرض‌ورزی و نه تلاش برای تحریف باشد، بلکه به دلیل نقطه دید متفاوت این افراد باشد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۴۱). اگر در مورد حادثه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ به مصاحبه پردازیم، روایت افرادی که ابتدای صحنه تظاهرات هستند با کسی که در انتهای جمعیت تظاهرات بود متفاوت می‌شود، زیرا هر یک نقطه دیدی داشته‌اند که دیگری نداشته و حتی روایت سربازی که تیر شلیک کرده، ممکن است با هر دوی آنها تفاوت داشته باشد. لذا در ثبت و ضبط اطلاعات مأخوذ از مصاحبه تاریخ شفاهی می‌بایست این نکته یعنی نقطه دید را لحاظ کرد. به جای حذف یکی و گزینش دیگری که معمولاً مرسوم است، باید از مجموع آنها برای ترسیم یک رویداد استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

تاریخ شفاهی در قیاس با سایر روش‌های گردآوری اطلاعات و داده در عرصه تاریخ‌نویسی، خاصه در مطالعات تاریخ معاصر و به تعبیری تاریخ اکنون، روش جدیدی محسوب می‌شود. علی‌رغم محاسن این روش، تردیدهایی درباره اعتبار داده‌های آن وجود دارد. ارائه روایت‌های یک‌سویه و یا تلاش افراد مصاحبه‌شونده برای بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی جایگاه خود در رویدادها به ایجاد تصویری واژگونه از گذشته منتهی می‌شود.

باید گفت که این‌گونه ابهامات و مشکلات درباره سایر منابع اطلاعاتی که برای نوشتن تاریخ مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز صادق است و اگر به شکلی وسواس‌گونه با منابع اطلاعاتی مواجه شویم آنها را نیز باید کنار نهاد. اما نگاه علمی و شناخت دقیق ابعاد مختلف این روش و روابط حاکم بر افراد درگیر در آن (مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر) و استفاده از معیارهای دیگری چون شناخت روحیات راوی، میزان دقت، نوع قضاوت‌ها، نسبت راوی با رویداد و... در قبل، حین و بعد از مصاحبه باعث می‌شود تا میزان اصالت داده‌های تولیدشده به کمک این روش بالا رود و تصویری جامع‌تر از

گذشته ارائه شود. بعد از تولید یک منبع تاریخی پژوهشگران می‌توانند از آن بهره ببرند و با استفاده از اصول نقد درونی و بیرونی دست به این کار بزنند، اما علاوه بر این، آنها باید در سه مورد تضاد با روایت غالب، تأثیرگذاری راوی بر محقق و زاویه دید راویان، دقت ویژه به خرج دهند تا بهترین بهره ممکن از ابزار تاریخ شفاهی برده شود.

منابع و مآخذ

- آذری خاکستری (۱۳۸۴)، «مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران»، **تاریخ پژوهی**، سال هفتم، شماره ۲۲-۲۳.
- امینی، علی (۱۳۷۶)، **خاطرات**، به کوشش حبیب لاجوردی، چ اول، تهران، نشر گفتار.
- بختیار، شاپور (۱۳۸۰)، **خاطرات**، ویراستار: حبیب لاجوردی، چ سوم، تهران، نشر زیبا.
- بصیرزاده، غلامرضا (بی‌تا)، **خاطرات**، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری (جزوه دستنویس).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۷)، **نقد متن (مجموعه درسگفتارها)**، چ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- توکلی، فائزه (۱۳۹۶)، **تاریخ شفاهی (مبانی نظری، روش‌شناسی)**، چ اول، تهران، انتشارات سوره مهر.
- حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «تاریخ شفاهی و شفاهی‌نگاری در متون تاریخی، با تکیه بر تاریخ بیهقی»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، اسفندماه.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۷)، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی، چ اول، قم، نشر لوگوس.
- درکتانین، غلامرضا (۱۳۸۴)، «استانداردهای روایت»، **ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر**، سال چهارم، شماره ۳۴.
- رسولی، مرتضی (۱۳۸۷)، «مروری بر تاریخ‌نگاری معاصر و لزوم توجه به تاریخ شفاهی»، **فصلنامه تاریخ معاصر ایران**، سال ۱۲، شماره ۴۵.
- سامر، باربارا دلبیو (۱۳۹۷)، **راهنمای تاریخ شفاهی**، ترجمه رضا مهاجر، چ دوم، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سلیمانی، مرضیه (۱۳۸۹)، «روش‌ها و ارزش‌های تاریخ شفاهی»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، شماره ۱۴۶.
- صالحی فشمی، پیمان (۱۳۸۸)، «گزارشی از ششمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی»، **گنجینه اسناد**، سال نوزده، دفتر سوم.

- طاهری، رجبعلی (۱۳۷۵)، *خاطرات*، چ اول، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۰)، *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (از مرجعیت امام خمینی تا تبعید)*، چ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فیضیان، منوچهر (۱۳۹۳)، «درآمدی بر تاریخ شفاهی»، *ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران*، سال دهم، شماره ۶۳.
- قیصری، مهدی (۱۳۸۴)، *خرم ولی خونین*، چ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاسمی، فرید (۱۳۸۱)، «تاریخ شفاهی مطبوعات ایران»، *بخارا*، ش ۲۴.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۲)، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، چ ششم، تهران، نشر نی.
- ----- (۱۳۸۹)، «چشم‌اندازهای نو در تاریخ شفاهی ایران با تأکید بر تاریخ‌نگاری شفاهی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری*، سال بیست، دوره جدید، شماره ۵.
- نورائی، مرتضی و مهدی ابوالحسنی ترقی (۱۳۹۴)، *تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۵۸ - ۱۳۸۵)*، چ اول، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- نورائی، مرتضی (۱۳۸۵)، «درآمدی بر پاره‌ای مشکلات نظری و کارکردی تاریخ شفاهی»، *گنجینه اسناد*، شماره ۶۴.
- همایون، داریوش (۱۳۹۳)، *آیندگان و روندگان*، به کوشش حسین دهباشی، چ اول، تهران، مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.